



وظایف مالی یک «بنده»

سیر منطقی و خلاصه جلسه دوازدهم

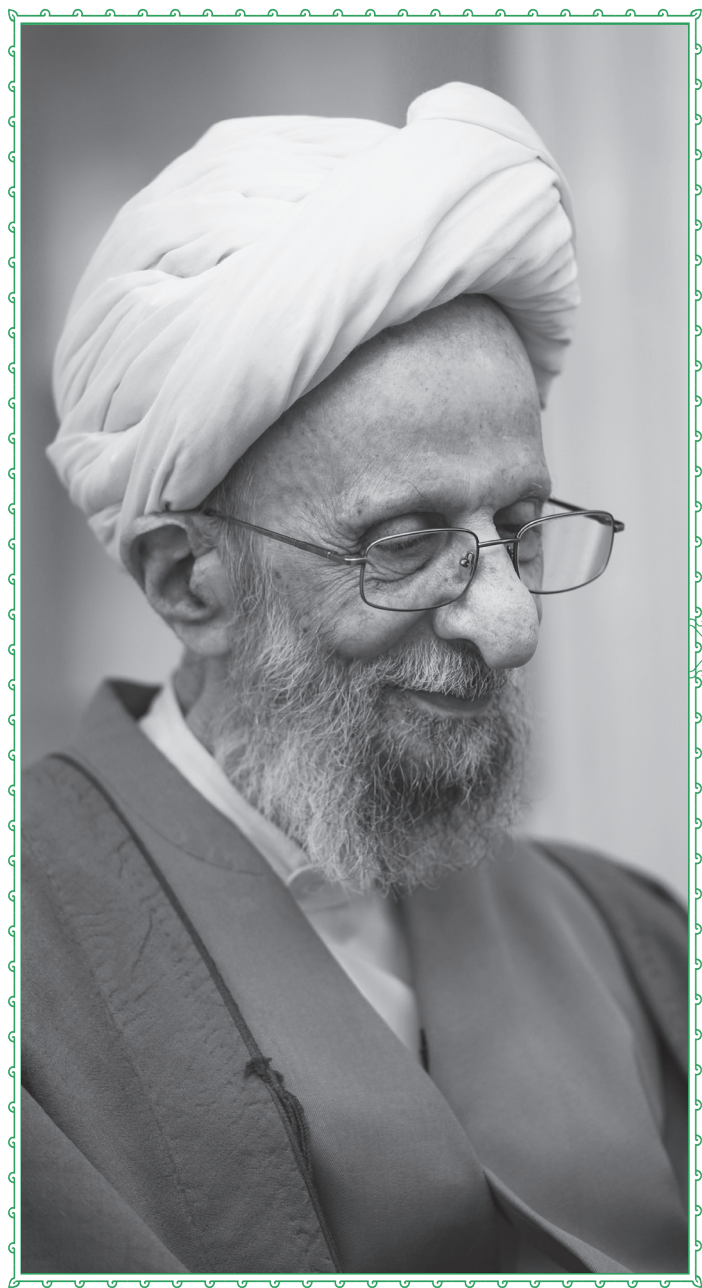
«به سوی بهار»؛ نگاهی دوباره به سلسله

جلسات شرح دعای ۴۴ صحیفه سجادیه

توسط مرحوم علامه مصباح یزدی رحمۃ اللہ علیہ

کاری از رسانه @MESBAHYAZDI-IR





• سیر فکری مباحث

متن دعا از امام سجاد علیه السلام به ضرورت نیکی به خویشان و همسایگان و پاکسازی اموال از مظالم توجه دارد. اسلام بر اهمیت انفاق، زکات و رعایت حقوق مالی تأکید می‌کند و روابط انسانی را به عنوان بخشی از عبادت و تقرب به خدا معرفی می‌کند.

در ادامه، سؤالی مطرح می‌شود که آیا انفاق در ادیان دیگر نیز به همین اندازه مورد توجه قرار گرفته است؟ در پاسخ باید گفت که انفاق از آغاز تبلیغ انبیا، از جمله پیامبرانی چون عیسی علیه السلام با تأکید بر نماز و زکات، جایگاه ویژه‌ای داشته است. بنابراین، مفهوم زکات در قرآن فراتر از اصطلاح فقهی است و ضرورت پرداخت زکات به معنای پرداخت مالی برای تزکیه و کمک به دیگران را در بر می‌گیرد.

موضوع بعدی مراتب اعمال نیک و نوع انفاق است. آیا در صورتی که خویشاوندی نیازمند باشد، می‌توان به غیر آنان انفاق کرد؟ قرآن بر این نکته تأکید دارد که باید اولویت را به خویشاوندان و نزدیکان داد و سپس به دیگر نیازمندان پرداخت. این مسئله نشان‌دهنده ارزش بالای نیکی به والدین و خویشاوندان است.

به طور کلی غیر از مسائل مالی، حقوقی بین مؤمنین در جریان است که در روایات از آن به «زکاة باطنی» تعبیر شده

است. زکات باطنی، به معنای ترجیح نیاز برادر مسلمان بر نیاز خود در سختی‌ها و مشکلات است. این نوع نگاه به حقوق یکدیگر در اسلام، تأثیرات اجتماعی و اخلاقی قابل توجهی را در پی دارند که می‌تواند جامعه‌ای سالم و باصفا را به وجود آورد. اگر مسلمانان به این آموزه‌ها عمل کنند و به یکدیگر توجه داشته باشند، جامعه‌ای ایده‌آل و همدل شکل خواهد گرفت. پرسیش که ذهن را به خود مشغول می‌کند این است که چگونه به چنین نگاهی برای رعایت حقوق دیگران باید رسید؟ در پاسخ باید گفت که خدا پرستی حقیقی و بندگی محض، انسان را به فقر ذاتی خود متوجه می‌کند و در نتیجه، خود و دارایی‌های خویش را، ملک خداوند می‌داند؛ آنگاه که دارایی‌هایش از آن خدا شد، هر گونه که خداوند دوست داشته باشد، آن دارایی‌ها را مصرف می‌کند، یکی از محبوب‌ترین مصارف اموال، برای خداوند، انفاق اموال است.

در انتها به نمونه‌ای از جامعه همدل در ابتدای اسلام اشاره می‌شود که مورد تحسین قرآن قرار گرفته‌اند.

• متن دعا

«وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنْ نَّصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، وَأَنْ نَتَّعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّيْبَعَاتِ، وَأَنْ نُظَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزُّكَّاتِ؛ پروردگارا، ما را در این ماه مبارک توفیق ده تا با نیکی فراوان و بخشش به خویشان خود نیکی کنیم و با احسان و عطا از احوال همسایگانمان جويا شویم و

اموال و دارایی‌مان را از مظالم و آنچه از راه ستم به دیگران به دست آمده است، پالایش کنیم و آن را با دادن زکات‌ها پاک کنیم.»

• خلاصه مباحث

۱. مقدمه

امام سجاد (ع) در فرازهای این دعا، ابتدا توفیق روزه‌ای را در ماه رمضان طلب می‌کند که در آن تمام اعضا و جوارح در راه رضای خدا باشند. سپس به تفصیل، به اهمیت نماز، رعایت اوقات و خشوع در آن اشاره می‌کند. در ادامه، به وظایف مالی مانند پرداخت حقوق مالی، رد مظالم، زکات و کمک به خویشاوندان و همسایگان می‌پردازد. حضرت سجاد (ع) در ابتدا به رابطه انسان با خدا و سپس به وظایف انسان نسبت به بندگان خدا اشاره دارند.

۲. اهتمام اسلام به انفاق و مسائل مالی

از مهم‌ترین وظایفی که خداوند نسبت به بندگان بر عهده انسان قرار داده، مراعات وظایف و تکالیف مالی همچون حقوق مالی، ردّ مظالم، ادای زکات و کمک به خویشاوندان، و همسایگان است. این امور از جمله وظایف اخلاقی است که در قرآن کریم نیز به صورت‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته است.

پرسش: آیا انفاق در ادیان دیگر نیز به این میزان، مورد توجه واقع شده است؟

۳. جایگاه انفاق در دعوت انبیاء

انفاق در تبلیغ همه پیامبران الهی جایگاه ویژه‌ای دارد. از جمله سفارش‌های مؤکد الهی به همه انبیا و اولیا و همه اقوام و ملل و صاحبان ادیان، ابتدا نماز و سپس زکات بوده است. خداوند به حضرت عیسی علیه السلام که طفلی در گهواره بود الهام کرد که خود را به عنوان بنده خدا معرفی کند و به اقامه نماز و زکات سفارش نماید. قرآن این دو امر را مکمل یکدیگر نشان می‌دهد و می‌گوید که پس از نماز، اهمیت ادای واجبات مالی بالاترین مقدار ارزش را دارد. پرسش: مگر در ادیان گذشته، زکاة به معنای فقهی در اسلام و قرآن وجود داشته است؟

۴. زکاة در قرآن و فقه

در قرآن، مفهوم “زکات” فراتر از اصطلاح فقهی محدود به زکات واجب در رساله‌های عملیه است. زکات در قرآن، به معنای لغوی “پرداخت مال برای تزکیه” به کار رفته و شامل انواع انفاقات مالی از جمله زکات واجب، خمس و سایر وظایف مالی می‌شود. در واقع، قرآن با این مفهوم وسیع، همچون سایر ادیان، بر اهمیت انفاق و کمک مالی در راه خدا تاکید دارد.

این تفاوت در کاربرد، مشابه تفاوت در معنای کلمه “تقیه” است. در لغت، تقیه به معنای تقوا و ترس است، اما در اصطلاح فقهی معنای خاصی پیدا کرده است. بنابراین، برای فهم صحیح آیات قرآن و روایات، باید به معنای اصلی



و لغوی واژگان توجه کرد و نباید آن‌ها را صرفاً با اصطلاحات خاص علوم فقهی تفسیر کرد. به عنوان مثال، واژه “صدقه” نیز در قرآن مترادف با زکات به معنای عام آن به کار رفته و شامل انواع انفاقات در راه خدا می‌شود. توجه به این نکات، برای درک دقیق‌تر مقصود قرآن و روایات ضروری است.

۵. رتبه بندی اعمال نیک، از واجب تا مستحب

قرآن کریم اعمال نیک را به صورت درجه بندی، از واجب تا مستحب، بیان می‌کند تا هر کس به اندازه توانش عمل کند. امر به نماز و انفاق نیز گسترده بوده و تنها به واجبات محدود نمی‌شود. بلکه نماز و زکات واجب، تنها مرتبه‌ای از این احکام هستند و خداوند انجام بیشتر از آن را به همت مکلفین واگذار کرده است. هدف اصلی، بیان اهمیت این امور و تشویق بندگان به انجام آن‌ها با حفظ مراتب مختلف است.

پرسش: اگر در خانواده یا خویشاوندانمان، نیازمندی وجود داشته باشد، می‌توان به غیر آن‌ها انفاق کرد؟

۱. انواع وظایف و مراتب مالی

در پاسخ باید گفت که تکالیف مالی متعددی وجود دارند و موارد مصرف آن‌ها نیز فراوان است، اما برخی مصارف مهم‌ترند؛ خویشاوندان و ارحام. در بین آن‌ها نیز اولویت با نزدیک‌ترین خویشاوندان است: ابتدا پدر و مادر، سپس خواهر و برادر. هر چه دورتر شوند، اهمیت و تکلیف، کم‌رنگ‌تر می‌شود. به همین دلیل، قرآن کریم در مصرف

زکات و صدقات، ابتدا پدر و مادر و ذی القربی را مقدم می‌دارد: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا»^۱ (و خدا را پرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.) همان‌گونه که بیان شد، ارزش‌ها در اسلام ذومراتب (درجه بندی شده) هستند. اگرچه برای سهولت در فهم، آن‌ها را در قالب‌های معین دسته‌بندی می‌کنیم، اما مراتب کمالات بسیار و فاصله بین پائین‌ترین مراتب پائین تا عالی‌ترینشان، فوق‌العاده است.

بنابراین، آیات قرآن نکات ظریف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و فقهی دارند که با نظر سطحی قابل تشخیص نیستند. مثلاً در آیه مربوط به مصارف مالی، از یک سو به اولویت‌بندی خویشاوندان اشاره شده و از سوی دیگر، به عبادت خدا و نهی از شرک. در هر سه مورد (عبادت، نهی از شرک و مصارف مالی)، بحث به موارد واجب محدود نیست. پرستش خدا به عبادات واجب منحصر نیست، بلکه هر عمل عبادی، پرستش خداست. نهی از شرک نیز فقط شامل بت‌پرستی آشکار نیست، بلکه هر نوع شرکی، حتی شرک‌های خفی

(پنهان) مانند ریا، مذموم است. حتی مواردی از شرک خفی، مانند اعتماد به غیر خدا را نیز شامل می‌شود. اولیای الهی از این نوع شرک‌ها هم پرهیز می‌کنند.

احسان، برّ و نیکی به دیگران نیز مانند سایر ارزش‌های اسلامی دارای مراتب مختلفی است. این نیکی از پدر و مادر و خویشاوندان آغاز می‌شود و تا کسانی که به مدت کوتاهی با ما بوده‌اند یا در سفری هم‌سفر ما شده‌اند، ادامه دارد. بالاترین مرتبه، نیکی به والدین است که آنچنان اهمیت دارد که خداوند در قرآن بعد از دستور به ایمان و عبادت خود، بر نیکی به والدین تأکید کرده است.

۲. ایمان، نمونه‌ای دیگر از بیان ذومراتبی قرآن

ایمان و کفر نیز مانند سایر ارزش‌های اسلامی، دارای مراتب و درجات بسیاری هستند. روایتی از امام صادق علیه السلام هست که نشان می‌دهد ایمان هفت بخش دارد: نیکی، راستی، یقین، رضایت، وفا، علم و حلم. خداوند این سهم‌ها را بین بندگان تقسیم کرده است. کسی که همه هفت سهم را داشته باشد، انسان کامل است، اما برخی تنها یک سهم، برخی دو سهم و... دارند. بنابراین، نباید از کسی که یک سهم دارد، انتظار دو سهم را داشت و به اندازه‌ی ایمانشان باید از آن‌ها انتظار داشت.^۲

مربیان و معلمان باید به تفاوت‌های فردی و مراتب ایمان افراد توجه کنند و ظرفیت و آستانه تحمل آن‌ها را در تربیت

در نظر بگیرند. ایمان همه مؤمنین مانند ایمان سلمان و ابوذر نیست، و حتی ایمان آن دو بزرگوار نیز در یک مرتبه نبود. سلمان و ابوذر مؤمن‌ترین اصحاب پیامبر بودند. سلمان دارای بالاترین درجه ایمان بود و ابوذر یک درجه پایین‌تر. همین تفاوت یک رتبه‌ای چنان زیاد بود که اگر ابوذر از آنچه در قلب سلمان می‌گذرد، آگاه می‌شد، او را می‌کشت؛ زیرا ظرفیت ایشان بسیار متفاوت بود و ابوذر تاب تحمل ایمان سلمان را نداشت.

سایر ارزش‌های اسلامی نیز مانند ایمان دارای مراتب مختلفی هستند که عقل ما به آن درجات نمی‌رسد. اگر درکی از ایمان ابوذر و سلمان نداشته باشیم، چگونه می‌توانیم درک درستی از ایمان انبیا و ائمه داشته باشیم؟ حتی وقتی از مراتب بالای ایمان صحبت می‌شود، آن مراتب غیر قابل درک را نیز در بر می‌گیرد.

۳. درجات حقوق مؤمنین بر یکدیگر

در کتاب «اصول کافی»، بخشی تحت عنوان «حق المؤمن علی أخیه» وجود دارد که به حقوق برادران مؤمن بر یکدیگر می‌پردازد. یکی از روایات مهم این بخش، گفت‌وگو بین مُعَلِّی بن خُنَیس و امام جعفر صادق علیه السلام است که در آن امام به تفصیل حقوق مسلمانان بر یکدیگر را شرح می‌دهد. مُعَلِّی از امام می‌پرسد: «حق مسلمان بر مسلمان چیست؟» امام در پاسخ ابتدا به طور کلی به اهمیت تقوا اشاره می‌کنند، اما مُعَلِّی خواستار توضیحات بیشتری می‌شود.

حضرت علیه السلام می‌فرمایند: ای معلی! من به تو علاقه دارم. می‌ترسم آن حقوق را ضایع کنی و حفظ نکنی. معلی عرضه می‌دارد: از خداوند توفیق عمل می‌خواهم. وقتی امام صادق علیه السلام این ادب و اصرار و آمادگی را در وی مشاهده کردند، فرمودند: «ساده‌ترین و آسان‌ترین حق مسلمان بر برادر مسلمانش آن است که هر آنچه برای خود می‌پسندد، برای وی نیز پسندد و هر آنچه برای خود دوست نمی‌دارد، برای او نیز نخواهد. حق دوم آن است که از نارضایتی و خشم او بپرهیزد و تابع امور خوشایند او و مطیع اوامر وی باشد. حق سوم آن است که با جان، مال، زبان و دست و پای خود یعنی (با تمام وجود)، یاورش باشد. حق چهارم آن است که چشم، راهنما و آیین او باشد. حق پنجم آن است که اگر برادرش، گرسنه، تشنه و برهنه است، او سیر، سیراب و پوشیده نباشد. حق ششم آن است که اگر تو خدمتکاری داری و برادرت خادمی ندارد، خدمت را نزد او بفرستی تا لباسش را بشوید، غذایش را آماده کند و بسترش را برایش بگستراند. حق هفتم آن است که به سوگند برادر مسلمان عمل کنی و دعوتش را استجابت نمایی و هنگام بیماری به عیادتش روی و زمان مرگ تشییعش کنی و زمانی که از نیازش آگاه شدی، قبل از آنکه او ناگزیر شود از تو یاری بخواهد، در اولین فرصت، نیازش را برآوری. وقتی حقوق او را به این صورت ادا کردی، ولایت و دوستی خود را به ولایت وی و ولایت او را به ولایت

خود خواهی رساند»^۳

این کلام نورانی نشان می‌دهد که خواسته خداوند از مسلمانان صمیمیت، یگانگی و پرهیز از هر نوع جدایی و خودخواهی است. آیا مسلمانان در عصر حاضر اینگونه به یکدیگر توجه دارند؟! مثلاً آیا در کمک به برادر مسلمان خود، منافع مادی خود را بر نیاز او مقدم می‌شمارند؟!

۴. زکات باطنی و ظاهری

به نقل از امام صادق (ع)، زکات باطنی، یعنی ترجیح دادن احتیاجات برادر مسلمان بر احتیاجات خود، از واجبات مهم است. وقتی راوی از ایشان درباره مقدار زکات سؤال می‌کند و امام (ع) پاسخ می‌فرماید: «سؤال درباره کدام زکات است؛ زکات ظاهر یا زکات باطن؟ اگر مقصودت، زکات ظاهری است، از هر هزار واحد، ۲۵ واحد زکات دارد. اگر منظورت، زکات باطن است، زکات باطن عبارت است از مقدم داشتن احتیاج و نیاز برادرت بر نیاز خود، زمانی که او از تو محتاج‌تر است»

زکات ظاهری، یعنی همان زکات واجب در فقه، که عدم پرداخت آن موجب قرار گرفتن در ردیف کافران و مشرکان می‌شود: «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»؛ (وای بر مشرکان * همانان که زکات نمی‌دهند و آخرت را انکار می‌کنند).

زکات باطنی، وجوب اخلاقی دارد و به معنای آن است که در مواقع نیاز، باید احتیاجات برادر مسلمان را بر نیاز خود مقدم دانست.

این دو نوع زکات، هر دو از اهمیت بالایی برخوردارند؛ زکات ظاهری به حکومت اسلامی سپرده شده و زکات باطنی، تأثیرات اجتماعی و اخلاقی مثبتی دارد. خداوند با قرار دادن این تکالیف، راهی برای رسیدن به ثواب و کمال برای بندگان گشوده است.

تأثیر زکات باطنی در جامعه

اگر تنها به درصدی از این احکام فقهی و اخلاقی و اندکی از این تعالیم مترقی اهل بیت علیهم السلام عمل شود، جامعه اسلامی نمونه و بهشتی سرزنده، بانشاط و مملو از صفا، صمیمیت و محبت خواهد شد.

به بیان امام صادق علیه السلام نیازمندان در یک جامعه ایده‌آل، نیاز به بیان صریح احتیاجات خود نیستند تا عرق خجلت بر پیشانی آنان نشیند، بلکه با تأسی به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیازهای مادی و معنوی‌شان به طور مخفیانه برآورده خواهد شد. این روش مورد تأکید دین مقدس اسلام و اولیای عظیم‌الشان است تا مؤمنان با عزت و سربلندی در کنار هم زندگی کنند.

تنها در این صورت است که مورد توجه خداوند متعال و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهیم بود، نه به شیوه‌ای شبیه به ارتباط گرگ و میش، که این نوع روابط خاص حیوانات است و قرآن کریم آن را به عنوان ویژگی‌های کفار و مشرکین یادآوری کرده است.

خداوند در این باره در مقام نکوهش کفار و مشرکین می‌فرماید: «اما انسان به گونه‌ای است که وقتی خداوند، وی را با دادن نعمت و تکریم و بزرگداشت در بوته امتحان قرار می‌دهد، خواهد گفت: خداوند ما را دوست داشته و تکریم کرده است. وقتی خداوند با سخت‌گیری و گرفتار کردنش در تنگ‌دستی، او را می‌آزماید، می‌گوید: خداوند به ما اهانت کرده است. حال آنکه چنین نیست. آنچه باعث تنگی روزی و سختی معیشت شما شده است، [عملکرد بد شما یعنی] اکرام نکردن، بی‌توجهی و رسیدگی نکردن به امور یتیمان و تشویق نکردن همدیگر به توجه به حال نیازمندان و فقر است.»^۵

علت مشکلات اقتصادی

علت مشکلات و گرفتاری‌های اقتصادی، تنگی در معیشت و گرانی، بی‌توجهی به امور نیازمندان جامعه است. توجه مؤمنان به امور اقتصادی یکدیگر در قرآن بسیار اهمیت دارد و در آیات متعدد بر آن تأکید شده است. خداوند در سوره مبارکه بلد درباره حال کسانی که قادر به گذر از گردنه‌های سخت نیستند و گرفتار عذاب الهی می‌شوند، می‌فرماید: «آیا می‌دانید آن گردنه‌ای که در آن مانده و دچار عذاب الهی شده‌اند، چیست؟ آن، آزاد کردن اسیر است. اگر اسیری را از بند برهانید یا در زمان قحطی و تنگ‌دستی به نیازمندی یاری رسانید، با این اقدامات از آن گردنه خواهید گذشت.

همچنین، اگر به یتیمی بی سرپرست از خویشان و نزدیکانتان توجه کنید و به او یاری دهید، گرفتار نخواهید شد. قرآن در این زمینه بیان می‌کند که کمک به نداران و محرومان نیز می‌تواند انسان را نجات بخشد.^۶

این نوع بیان، شیوه‌ای بسیار موثر و تربیتی در قرآن است. قرآن در مسیر تربیت انسان، در ابتدا به بیان مراتب توحید نمی‌پردازد، بلکه ابتدا انسان‌ها را با مجموعه‌ای از اخلاقیات فردی، خانوادگی و اجتماعی که مطابق فطرت انسان و وجه مشترک همه ادیان است، آشنا می‌سازد و آنان را به توجه به این امور دعوت می‌کند. آن‌ها را یادآوری می‌کند که اگر به دنبال راه چاره‌ای برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات زندگی فردی و اجتماعی خود هستید، باید بدانید که مسیری که برای زندگی انتخاب کرده‌اید، به شهادت فطرت و عقل و وجدان‌تان نادرست است.

پرسش: این نوع زیستن و توجه به برادران دینی یا فقرا، سخت است. چگونه به این مرتبه از ایمان برسیم؟

عبادت صحیح، راهی برای رسیدن به درجات بالای انفاق

سرّ خداپرستی و تقرب به خداوند در این است که انسان فقر و نداری مطلق خود را در برابر خدا به خوبی دریابد و بتواند دیگران را نیز در آنچه که ملک خداست و در واقع متعلق به او نیست، شریک کند. حتی اگر برای تحصیل بعضی از این امور زحمت کشیده‌ایم، باز هم باید به یاد داشته باشیم که

۶ . سوره بلد، آیات ۱۱-۱۶

این‌ها امانتی الهی در دست ما هستند. توانایی و زحمتی که کشیده‌ایم، نتیجه نعمت‌های الهی است که به ما عطا شده است. بنابراین، حرص در جمع‌آوری و بخل ورزیدن در هزینه کردن آن، با بندگی خداوند سازگار نیست.

نمونه‌ای از جامعه ایمانی در ابتدای اسلام

قرآن کریم به ستایش انصار می‌پردازد، کسانی که در زمان پیامبر ﷺ با ایثار و سخاوت، مهاجران را در زندگی خود شریک کردند و از اموال خود به آن‌ها بخشیدند، گرچه خود به این اموال نیاز داشتند. چنین افرادی مورد تقدیر قرار می‌گیرند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۷؛ (و کسانی که پیش از آنان در مدینه و ایمان جا گرفتند، مهاجران را دوست دارند و در دل خود نیازی از آنچه به آنان داده شده احساس نمی‌کنند و به دیگران از خود ترجیح می‌دهند، گرچه خود به آن محتاج باشند).

این، همان مقام فلاح و رستگاری است که قرآن بر آن تأکید دارد.

۱۳۸۷، ۶، ۲۴

متن و صوت کامل جلسه را از [اینجا](#) ببینید.



@mesbahyazdi_ir | mesbahyazdi.ir